



نوشته از ضیا عزیز دهقان

محرومیت از مکتب و دانش

دختران جوان، دام ننگین پیدوفیلی (تجاوز جنسی بالای کودکان)

در جهان غرب (کشورهای "کافر")، عزت و حرمت هر انسان به صفت یک موجود آزاد و صاحب وجود و جسمش توسط قانون محافظت میشود. هرگونه حرکت بخاطر ارضای جنسی که بدون اراده، انتخاب و موافقت آگاهانه میان هر دو جانب و با توصل به زور، تهدید و یا نیرنگ صورت میگیرد، مطابق قانون، تجاوز جنسی شمرده میشود و متهم مورد پیگرد و مجازات قانونی شدید قرار داده میشود. اگر چنین حرکتی بالای یک پسر و یا دختر خرد سال (نابالغ یا صغیر) صورت میگیرد، بنام "پیدوفیلی" (تجاوز جنسی بالای کودک) بمتابه ی پلیدترین و زشت ترین جنایت مورد مجازات قرار میگیرد. بصورت مثال، در فرانسه جزای این عمل غیر انسانی از ۲۰ تا ۳۰ سال زندان تعیین گردیده است.

از مدت ها بدین سو، متخصصین امور صحتی و روانی، با تحقیقات گسترده ی عملی و نظری متوجه گردیده اند که رشد و نمو جنسی و شهوانی کودکان پس از سن هفت و هشت سالگی آغاز میشود و در این دوران میتوانند به سادگی در دام تجاوزگران بد سرشت بیفتند.

بخاطر محافظت کودکان از این خطر، برعلاوه ی انفاذ قوانین سخت گیرانه، آموزش جنسی در مکتب درجهت آشنایی کودکان با مسائل جنسی به شیوه ی موثر حفاظت کودکان مبدل گردیده است. به اولیای کودکان پیوسته توصیه میکنند تا با شکستن هرگونه تابو، با اطفال خود در این موارد صحبت کنند و حرف های آنها را بشنوند. همچنان بمنظور جلوگیری از باردار شدن دختران در سنین نوجوانی، ولو با همسال پسر باشد، و نیز برای جلوگیری از مصاب گردیدن به امراض جنسی تمامی تدابیر ممکن صحتی اتخاذ میشود.

امروز این امر به اثبات رسیده که آوردن فرزند برای یک دختر جوان قبل از ۲۱ سالگی هم از لحاظ صحتی و هم از لحاظ اجتماعی مناسب نیست. زیرا به سن ۲۱ سالگی است که یک انسان به رشد کامل جسمانی و به آن سطح رشد روحی و فرهنگی میرسد که بتواند فرزندش را با احساس مسوولیت تمام، به بهترین صورت پرورش دهد. در چنین شرایطی دختران جوان و زنان میتوانند صاحب اختیار جسمی و روحی خود گردند و نه چون ماشین های تولید نسل، بلکه چون انسانهای برومند و آزاد در جامعه زندگی کنند و در اعتلای اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی سهم شایسته داشته باشند.

اما در جوامع اسلامی و کشورهای عقب مانده، منجمله در افغانستان تمامی علما و امامان اسلامی را عقیده بر اینست که:

۱- دختر و زن ناموس است (در یکی از نوشته های آینده، به تعریف ناموس خواهیم پرداخت)

۲- یک دختر، زمانی که عادت ماهوارش را برای نخستین بار آغاز میکند، آماده ی ازدواج و حمل گرفتن میشود. این مرحله از سن ۹ سالگی آغاز میشود.

۳- اولیای دختر و اولتر مردان مانند پدر، برادر، کاکا، ماما... صاحب اختیار در ازدواج دختران اند. بر اساس عنعنات، پرداختن طویانه یکی از شرایط پذیرفتن ازدواج بشمار میرود.

۴- ایجاب و قبول یعنی انتخاب آگاهانه و ارادی شریک زندگی، که در قرآن نیز تذکر یافته، امر مهم در ازدواج است. از لحاظ منطقی میتوان با صراحت بیان کرد که ایجاب و قبول آگاهانه و ارادی متناسب است با سطح شعور، آگاهی و دانش هر دو جانب.

و اگر به این شرط یا رکن مهم ازدواج یا بخاطر بی سواد بودن دختر و یا پسر، بهای کم داده میشود و یا اینکه صاف و ساده آنرا بنام عنعنات و یا بنام ناموس، نامحرم... وغیره حذف میکنند، چه باقی میماند؟

اولیای دختر میتوانند حتی قبل از سن ۹ سالگی، در بدل مقدار پولی بنام طویانه، دختر را به نکاح بدهند و به خانه بختش بفرستند.

در خانه ی داماد، آن دخترک به مثابه ی " باغچه و مرزعه"، کار زاییدن امت محمدی را آغاز میکند و آنگاهی که زنده است و یا توانایی حمل گرفتن دارد، باردار میشود و می زاید.

اندیشیدن در باره ی پیامدهای رقت بار صحتی و روحی چنین زندگی را برای یک کودک که به سن ۹ ساله به زن مبدل میشود، به دوستان واگذار میکنم. همچنان میتوان در این مورد اندیشید که معنی یک مادر در خورد سالگی چه است؟ چنین یک کودک - مادر چگونه میتواند فرزندان " مسلمان" پرورش بدهد؟

اما درباره ی آنچه میتوان بصورت قاطعانه حکم کرد اینست که عمل محروم ساختن دختران از نعمت دانش و مکتب و فرستادن آنها به سن های کودکی، به خانه " بدبختی" در بدل مقداری پول و به بهانه ی بستن نکاح توسط یک ملا، صاف و ساده به معنی همان عمل جنایتکارانه اشتراک در جرم و جنایت " پیدوفیلی" (تجاوز جنسی بر کودک) است. هم ملا و هم اولیای کودکان، خواسته یا ناخواسته همان جرم مشهور "بی ناموسی" را مرتکب میشوند. بنظر اینجانب، با پرداختن به این مسأله حیاتی بصورت گسترده و جدی، بدون هراس و با شیوه ی علمی طبی، اجتماعی و فرهنگی، میتوان مچ های جنایتکارانی را باز کرد که در پس پرده های شریعت و دین و عنعنات قرون وسطی یی، این چنین جنایات پلید را در جامعه ی جنگ زده و در بند کشیده ی افغانستان وجه شرعی میبخشند، همچنان به اطلاع خانواده ها و اولیای محترم رسانید که چگونه میتوانند فرزندان (توته جگر های خود) را از شر این جنایتکاران محافظت کنند.

به دخترکان میتوان فهماند که چگونه میتوانند " نه بگویند؛!
از هموطنان متخصصین طبی، روانی و اجتماعی در امور طفل و مادر، صمیمانه دعوت مینمایم تا باهم این موضوع را با
وسعت لازم علمی به کنکاش بگیریم و برنا مه های عملی یی برای حفاظت و دفاع از کودکان وطن و مطالبه گشایش
مکتب طرح نماییم.

ضیا عزیز

۲۴ مارچ ۲۰۲

www.hoqooq.eu